

و فرود خورنده گاه چشم را با جود قدرت آورده اند که شخصی
 امام اعظم را با صبا که زود امام فرموده اند که من هم تر آنم
 طهارت زرد و لیکن ترتم و قادرم آنکه با خلیفه از تو شیخی
 گتم دانکنم و صیبتوانم که در سه گاه از جفای تو بجزفت
 بنا کنم ولی بنام امیر پیشو که کم خدمت بر بندم و داد
 از تو بستانم و این نیز نکنم و مرا فروار سپه کاری باشد
 و شفاعت من در پیر زمین تو قوم در هفتت نه منم
 مردی مکان مگر که بدوست باشد با چشم اگر بر ای دایم که گاهی
 بدی را مکافات کردن بر این صورت بود یعنی کسی که
 بی پرده اند به بدی دیده نیکی کرده اند منقول است
 از تقیر ملاحین و اعظم طالب سلوک باید که از بر که
 جفا پس بداید که چشم خود را در فویر که فواید بسیار است
 زیرا که اکابر گفته اند که چون مگر و بی مهر در سپه کار سنده

اوراقاوت

تفاوت میکنند نفع خیر ارتقا میکنند
 پس این کابر است که عاشق شود از نیکوست این کار بر وی
 مرام است صاحب بحر الحقایق شیخ نجم الدین علیه
 الرحمة فرموده اند که در یغای چک قدر صحبت اولیا نیست
 و نخواهد داشت تن شیخ ابوالقاسم که مانی قدس سره گفته
 با کسی نشین که همگی تو او شود یا همگی او تو مشغولی
 در حق سبحان و تعالی کم شود نه توانی نه او سالک
 باشد که خود را براه عدلت و خود را در دایم جمال شاپور
 در آینه نبیتی بوبیند و نیز از حضرت خواجہ ابراهیم قره سره
 میفرمودند که بر طالی که از تواری و دشمنان مردم خویش
 بر کز بوی از یکدیگر معانی مردان بنشام جان ز سر زیم
 نزد ایل تحقیق لا فاعل فی الوجود الا الله
 امم قره سرت هر چه از محبوب رسد از دشنام و فحش

Copyright © ... University